گرفتن وجه ثبت‌نام در مدارس غیر قانونی است

مدیرکل آموزش و پرورش گلستان با بیان این‌که علیرغم کمبود نیرو در گلستان هیچ کلاسی در مهرماه از معلم خالی نمی‌ماند، گفت: گرفتن وجه کمک به مدرسه هنگام ثبت نام و به صورت اجبار ممنوع است. به گزارش مهر، با اتمام سال تحصیلی داستان ثبت نام ها در مدارس آغاز می شود، داستانی که برخی اوقات با گرفتن پول به بهانه کمک به مدرسه و به صورت اجباری کام والدین را تلخ می کند. مشاهده شده برخی از مدیران مدارس هنگام ثبت‌نام از اولیاء پولی غیر از هزینه کتاب را طلب کرده و حتی دادن کارنامه دانش‌آموز را منوط به پرداخت وجه می‌کنند. همه ساله این مشکل گریبان‌گیر خانواده‌ها است بنابراین در این خصوص و همچنین شهریه مدارس غیردولتی و تعداد نیروهای فرهنگی (مازادها و کمبودها) با مدیر کل آموزش و پرورش استان گلستان، گفتگو کردیم، احسان گوهری راد گفت: مدارس نباید مبلغی جز هزینه بیمه، کتاب و مواردی دیگری را که قانون مشخص کرده، از والدین اخذ کنند.

ناچار به اخذ وجه هستیم

وی ادامه داد: اما در کنار این امر، مشارکت‌های خانواده‌ها مطرح است؛ با توجه به وضعیت مدارس و مشکلاتی که آموزش و پرورش در زمینه تأمین هزینه‌های آن دارد ناچار هستیم از کمک‌های مردمی استفاده کنیم. گوهری راد افزود: این تنها مختص ایران نیست بلکه در تمام نقاط دنیا این کمک ها وجود دارد و اولیاء در تمامی دوره‌های تحصیلی مشارکت‌می کند.

مشارکت صرفاً مالی نیست

مدیر کل آموزش و پرورش گلستان با تأکید بر این‌که ما به دنبال انواع مشارکت هستیم و تنها به کمک مالی فکر نمی‌کنیم، گفت: اصل مشارکت یعنی تمام مسائلی که مدرسه به آن نیاز دارد؛ مثلاً یک پزشک هر ماه یک بار دانش آموزان را معاینه می‌کند یا یکی از اولیاء کارهای تأسیساتی مدرسه را رایگان یا با هزینه کمتری انجام می‌دهد و غیره. گوهری راد با بیان این که مشارکت مالی نباید در زمان ثبت‌نام از ولی دانش‌آموز گرفته شود، ادامه داد: البته برخی از مدیران با درایت خود در همان ابتدا شرح خدماتی که با پول اولیاء در مدرسه انجام گرفته را به خانواده‌ها بیان می‌کنند و این امر سبب می شود که ولی دانش‌آموز به‌طور داوطلبانه به مدرسه کمک کند. وی تصریح کرد: گرفتن چک و پول در مدارس در زمان ثبت‌نام درست نیست اما با اتمام ثبت‌نام خانواده‌ها طبق توافق و تمایل خود برای بهبود وضعیت آموزشی دانش‌آموز خود به مدرسه کمک می‌کنند.

پرداخت هزینه‌ها توسط مدارس ممکن نیست

گوهری راد خاطرنشان کرد: در اوضاع حاکم بر کشور، آموزش و پرورش نمی‌تواند کمک چندانی به مدارس کند؛ همچنین استان صنعتی‌ای نیستم که منابعی از مشارکت مراکز صنعتی به آموزش و پرورش اختصاص یابد پس ما در پرداخت هزینه‌های خود، برق، آب، گاز، تلفن، سوخت و غیره نیاز به کمک داریم و مدیر مدرسه باید از محلی تأمین شود. وی توضیح داد: مدرسه هیچ منبع درآمدی ندارد، بخشی از هزینه‌های آن توسط آموزش و پرورش تأمین می‌شود اما در حدی نیست که مدرسه کیفیت‌بخشی خود را بالا برده و وسایل و تجهیزاتش را به روز کند.

اخذ وجه هنگام ثبت‌نام ممنوع

گوهری راد با بیان این‌که برای تأمین نیازها به مشارکت مالی و غیرمالی اولیاء نیاز است، گفت: هر مدیری هنگام ثبت‌نام به این عمل اقدام کند یعنی الزام و اجبار در کمک به مدرسه را مطرح کند از نظر ما کاری مردود است و با وی برخورد می‌شود. وی اظهار کرد: هم نیروهای نظارتی و هم اداره بازرسی و رسیدگی به شکایات در شهرستان‌ها این موارد را بررسی می‌کنند تا اجحافی در حق اولیاء روی ندهد. گوهری راد اذعان کرد: بی‌شک چنین مواردی در سطح استان وجود دارد ولی اگر گزارش آن به ما برسد پیگیر این قضیه خواهیم بود و اجازه چنین عملی را نمی‌دهیم. مدیر کل آموزش و پرورش گلستان در خصوص مدارس غیردولتی و شهریه آن‌ها چنین گفت: مدارس غیردولتی تابع مکانیسم‌ها و روابط خاص خود هستند؛ در این مدارس مبالغی به عنوان شهریه توسط سامانه مشخص می‌شود. گوهری راد چنین توضیح داد: مدیران مدارس غیردولتی در یک زمان خاص وارد سامانه شده و در آن امکانات مدرسه، وضعیت مدرسه از نظر پرداخت اجاره بهاء و غیره را وارد می‌کنند. اطلاعات توسط اداره شهرستان‌ها و همچنین اداره کل آموزش و پرورش استان راستی آزمایی شده و در انتها به وزارت خانه ارجاع می‌شود. وی ادامه داد: وزارت خانه براساس آیتم‌هایی موجود در سامانه شهریه‌ای را برای مدرسه تعیین می‌کند که این مبلغ، هزینه تدریس معلمان در وقت اداری به اضافه فوق برنامه مدارس است. گوهری راد توضیح داد: مدارس عادی دولتی تا ساعت ۱۲ و نیم دایر بوده اما مدارس غیردولتی تا ساعت یک و نیم بعدازظهر کلاس دارند؛ این اختلاف ساعت، فوق برنامه در وقت اداری است که شهریه‌اش با شهریه ثابت مدارس جمع می‌شود. وی گفت: این مبلغ در آموزشگاه چسبانده شده و اولیاء می‌توانند میزان شهریه کلاس فوق برنامه را مشاهده کنند. گوهری راد تصریح کرد: براساس سامانه به اولیاء برگه قراردادی داده می‌شود که مبلغ شهریه در آن درج شده است؛ در این قرارداد مبلغ واریزی و مبلغ قسط بندی خانواده مشخص می‌شود.

خانواده‌ها وجه نقد ندهند

وی گفت: تأکید ما بر این است که خانواده‌ها وجه نقد، چک پول یا چک حامل به مدیر مدرسه یا مؤسس ندهند و اگر قرار بر اقساط است به حساب بانکی مدرسه پول واریز کرده و فیش آن را تحویل دهند. گوهری راد بیان کرد: هر مدرسه غیردولتی که از این کار عدول کند پیگیر آن هستیم و با آن برخورد می‌شود. وی با بیان این که در مدارس غیردولتی ناظران خاصی داریم، افزود: مثلاً در گرگان ۱۱ ناظر وجود دارد که فقط مختص مدارس غیردولتی هستند.

بازرس ناظر مدارس غیردولتی وزارت در استان‌ها

گوهری اضافه کرد: جدیداً هم آموزش و پرورش سیاست دیگری در پیش گرفته و ناظران مقیم وزارت خانه در استان‌ها وجود دارند؛ هر استان یک فرد باتجربه و کارآزموده را به عنوان ناظر به وزارت معرفی کرده و اکنون به عنوان بازرس ناظر مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش در استان‌ها شناخته می‌شوند و تمامی موارد را مستقیماً به خود وزارت خانه گزارش می‌دهند. وی گفت: همه دست به دست هم داده ایم که نظارت‌ها در بخش غیردولتی به صورتی باشد که مشکلی برای اولیاء یا مدیران پیش نیاید.

گلستان کمترین مبلغ شهریه را می‌گیرد

گوهری با بیان این‌که در سال گذشته بیشترین مبلغ مربوط به متوسطه دوم و حدود سه میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بود، اظهار کرد: گلستان در زمینه مبلغ شهریه جزو ۱۰ استان انتهایی کشور است و کمترین میزان شهریه را می‌گیرد. وی افزود: اگر بخواهید کیفیت آموزش و پرورش بالاتر رود نیاز به صرف هزینه است و این امر شهریه را بالا می‌برد ولی در استان ما با توجه به درآمدهای مردم، مدارس غیردولتی کمترین هزینه را می‌گیرند. گوهری راد تأکید کرد: فعالیت بسیاری از مدارس غیردولتی که زیر ۱۲۰ دانش‌آموز دارند، صرفه اقتصادی نداشته و حتی برای حق‌التدریس دبیر، اجاره بهاء، بیمه و غیره از جیب خود هزینه می‌کنند.

۸۵ درصد مدارس غیردولتی استیجاری است

وی با بیان این‌که ۸۵ درصد مدارس غیردولتی ما استیجاری است، ادامه داد: در برخی از مدارس فعالیت مکمل انجام می‌شود و این کلاس‌ها اجباری نیست و اگر موردی گزارش شود با آن برخورد خواهد شد. گوهری راد در خصوص مدیریت نیروی انسانی با بیان این‌که ابلاغ معلمان مدارس پروسه خود را دارد، اظهار کرد: نقل و انتقالات، نیروهای استخدامی جدید، حق‌التدریسی‌ها، کلاس گذاری، جانمایی و غیره همه جزو ساماندهی محسوب می‌شود و ابلاغ هم یکی از این موارد است.وی گفت: ابلاغ معلم‌ها باید در اول تیرماه شروع شود اما معمولاً این عمل اتفاق نمی‌افتد زیرا سامانه به ما این اجازه را نداده و معمولاً تا ۱۵ الی ۲۰ شهریورماه این کار به طول می‌انجامد. گوهری راد توضیح داد: علت آن این است که ما در برخی از شهرستان‌ها کمبود نیروی انسانی داریم، مدیر مدرسه برنامه‌ریزی کرده ولی در انتها می‌بیند که ۲۰ کلاس خالی است در نتیجه معلم را دو شیفت کرده یا معلمان حق‌التدریسی را به کارگیری می‌کند. وی افزود: حدود ۹۵ درصد ابلاغ‌ها تا ۱۵ شهریور زده می‌شود و باید دستورالعملی گذاشت تا همه ابلاغ‌ها تا این تاریخ انجام شود و معلم از ۲۰ شهریور به مدرسه مراجعه و برنامه‌اش را بگیرد.

۲۰ هزار فرهنگی در گلستان

گوهری راد ادامه داد: ۲۰ هزار معلم و همکار فرهنگی در استان داریم که از این تعداد هفت هزار معلم در گرگان تدریس می‌کنند و اگر برای ۱۰ نفر آن‌ها مشکلی پیش بیاید ۱۰ کلاس در اول مهر خالی می‌ماند و ما مجبور هستیم چندین نیرو را جابه‌جا کرده تا این مسأله را حل کنیم. وی اذعان کرد: این اطمینان خاطر به هم استانی‌ها داده می‌شود که تمام هم و غم آموزش و پرورش این است که کلاسی در اول مهرماه بدون معلم باقی نماند. مدیر کل آموزش و پرورش گلستان گفت: به علت اضافه شدن کلاس دوازدهم و همچنین افزایش دانش آموزان آمار نیروهای مازاد ما نسبت به سال قبل پایین‌تر است. گوهری راد افزود: به جز گرگان و آن هم در مقطع متوسطه اول و دوم در بخش خانم‌ها، هیچ نیروی مازادی نداریم و حتی کمبود نیرو داریم.

۱۰۰۰ نفر نیرو کم داریم

وی ادامه داد: سال گذشته حدود ۲۵ هزار ساعت حق‌التدریس داشتیم و این یعنی گلستان هزار نفر نیرو کم دارد.گوهری راد تصریح کرد: درست است که ما در برخی از رشته‌ها مازاد داریم اما این به این معنا نیست که ما کمبود نداریم؛ تعداد حق‌التدریس‌ها و تعداد خرید خدمات آموزشی در ابتدایی نشان از کمبود نیروی ما دارد.وی ادامه داد: حدود ۶۰ مدرسه دولتی از طریق خرید خدمات غیردولتی اداره می‌شود؛ یعنی ما مدرسه‌ای را به بخش غیردولتی اجاره داده و آن‌ها نیرو و امکاناتش را تأمین می‌کنند.گوهری راد افزود: با این کار حدود ۵۵۰ کلاس را به بخش خصوصی داده‌ایم و این عمل بیشتر در روستاها اتفاق می‌افتد؛ سرانه و مدیر مدرسه آن را ما می‌دهیم و تمامی نیروهای آن‌ها گزینش می‌شوند. وی بیان کرد: این مسائل نشان می‌دهد ما در استان کمبود نیرو داریم اما با مدیریت و ساماندهی که انجام می‌دهیم خوشبختانه در پُر کردن کلاس درس هیچ مشکلی نداریم.

خبر

گلستان به سرمایه گذاری های بزرگ نیاز دارد

استاندار گلستان با بیان این‌که گلستان عقب ماندگی های طولانی داشته تاکید کرد: برای رفع این عقب ماندگی‌ها نیازمند سرمایه گذاری و اشتغال بزرگ در استان هستیم. به گزارش مهر، سیدمناف هاشمی در آیین افتتاح کارخانه تولید خمیر کاغذ از ضایعات کشاورزی که با حضور علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد، اظهار کرد: تسهیلات خوبی برای اشتغال فراگیر و روستایی در کشور در نظر گرفته شده و سهم گلستان از اشتغال یک میلیون نفری با این تسهیلات ایجاد اشتغال برای ۲۰ هزار نفر است. وی با بیان این‌که ما به رشد چهار و یا پنج درصدی اشتغال سال گذشته (۲۰ هزار نفری) قانع نیستیم، گفت: گلستان عقب ماندگی های طولانی داشته و برای رفع آن نیازمند اشتغال و سرمایه گذاری های بزرگ است. استاندار گلستان با اشاره به این که ایجاد ۳۰ هزار شغل و افزایش ۵۰ درصدی اشتغال سال گذشته را برای امسال هدف گذاری کرده ایم، ادامه داد: برای رسیدن به هدف ایجاد اشتغال های بزرگ و سرمایه گذاری های کلان در استان پیشنهاداتی داریم که آن را در قالب ۱۵ بند به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که وزیر معین گلستان در ستاد اقتصاد مقاومتی است تقدیم می کنیم.هاشمی با تاکید بر این که برخی از آیین نامه ها نیازمند اصلاح است تا سرمایه گذاری و اشتغال محقق شود، خاطرنشان کرد: برنامه هایی داریم تا بتوانیم سهم بیشتری را از تسهیلات در نظر گرفته شده از اعتبارات صندوق ذخیره ارزی برای ایجاد اشتغال برای گلستان جذب کنیم تا این استان به پایلوت کشوری در جذب این اعتبارات تبدیل شود.

وجود ۳۱ کلاس خشتی در گلستان

مدیر کل آموزش و پرورش گلستان از وجود ۳۱ کلاس خشتی و گِلی در گلستان خبر داد و گفت: ۷۲ پروژه در دست ساخت داریم که از این تعداد ۳۵ پروژه تا مهرماه به بهره برداری می رسد. به گزارش مهر، احسان گوهری راد، اظهار کرد: حدود سه هزار مدرسه تخریبی و یا نیازمند مقاوم سازی در گلستان وجود دارد. وی با بیان این که خیران باید در این زمینه به ما کمک کنند، افزود: خانواده‌ها اگر می‌خواهند فرزندانشان از کیفیت آموزشی خوبی برخوردار باشند باید وارد عرصه مدرسه سازی شوند. گوهری راد ادامه داد: ما انتظار کمک بزرگی از مردم نداریم همین قلک‌ها و پاکت‌های هدیه اگر روی هم جمع شود می‌تواند اتفاقات بزرگی را رقم بزند.وی خاطرنشان کرد: بسیاری از فرهنگیان ما در گرگان، گنبد، کلاله و غیره با کسر از حقوق در عرصه مدرسه سازی به ما کمک می‌کنند؛ دانش آموزان خیّری هم داریم که باعث دلگرمی آموزش و پرورش هستند. گوهری راد افزود: ۳۳۰ هزار دانش آموز داریم و اگر فرهنگ سازی صورت گیرد و تعداد ۲۰۰ هزار نفر آن‌ها به ما کمک کوچکی کنند می‌توان با آن مدرسه ساخت.مدیر کل آموزش و پرورش استان گلستان با بیان این که ۷۲ پروژه در دست ساخت داریم، گفت: ۳۵ پروژه تا مهرماه به بهره برداری رسیده که از این تعداد ۳۰ مدرسه که معادل ۱۶۰ کلاس درس است، بامشارکت‌های مردمی ساخته‌می‌شود.گوهری راد یادآور شد: ۳۰ درصد مدارس ما تخریبی و ۲۵ درصد کلاس‌های ما نیازمند مقاوم سازی است.مدیرکل آموزش و پرورش استان گلستان تصریح کرد: مشارکت‌های مردمی در سال ۹۵، مبلغ هفت و نیم میلیارد تومان بود که محقق شد و حدود ۲۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان هم تعهدی است که خیران در سال ۹۶ دادند که هنوز همه آن تحقق نیافته است.گوهری راد با بیان این که ۳۱ کلاس خشتی و گلی در استان داریم و امسال تلاش می‌کنیم که پرونده آن را برای همیشه در استان ببندیم، افزود: ۱۴۰ مدرسه کانکسی استاندارد در گلستان وجود دارد که شرایط آن‌ها خوب است.وی ادامه داد: ما برای همه روستاها نمی توانیم مدرسه بسازیم زیرا ساکنان آن ییلاق –قشلاق می‌کنند و یا شرایط آن‌ها طوری است که آن روستا تا دو سال آینده خالی از سکنه خواهد شد بنابراین برای این روستاها کانکس در نظر گرفته می‌شود. گوهری راد گفت: در این کانکس‌ها ممکن است بین پنج تا ۱۰ دانش آموز تحصیل کنند و اگر ما بخواهیم ۲۰۰ میلیون تومان برای روستایی مدرسه بسازیم که خالی از دانش آموز بماند هدر دادن بیت المال است؛ امری که در استان صورت گرفته و اکنون بسیاری از مدارس ما خالی از دانش آموز است.

خبر

ساعت کاری مدیران افزایش یابد تا مردم دچار مشکل نشوند

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: ساعت کاری ادارات و اثربخشی مدیران باید افزایش یابد تا زندگی روزمره مردم دچار مشکل نشود. به گزارش مهر، علی ربیعی در جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و کارگروه اشتغال گلستان اظهار کرد: هزار و ۳۰ میلیارد تومان اعتبار برای اشتغال فراگیر و روستایی در نظر گرفته ایم و در شرایط تحریم جهت گیری ما اشتغال در بخش واحدهای خرد و متوسط خواهد بود. وی با بیان این‌که فقرزدایی و اشتغال در دستور کار دولت قرار دارد، افزود: امسال ۱۲ هزار میلیارد تومان اعتبار برای سرمایه گذاری در بخش های مختلف پیش بینی شده که تلاش داریم در آن عدالت استانی و منطقه ای را اجرایی کنیم. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان این که دخانیات کشور بخش کمی از تولید داخل را دارد اما بیشترین خرید توتون را انجام می دهد، ادامه داد: تلاش داریم تمام شرکت های تولید سیگار در کشور را مجاب کنیم بخشی از تولید توتون داخل کشور را خریداری کنند.وی با اشاره به این که پیگیر حل مشکلات توتون کاران گلستانی هستیم، بیان کرد: پیشنهاد می کنم شرکت های بازرگانی قوی در این جهت در استان راه اندازی کنید. وی در بخش دیگر صحبت های خود خطاب به مدیران دستگاه های اجرایی و بانک های استان گفت: وضع ما نسبت به پنج ماه گذشته متفاوت است هرچند فروش نفت ما و تولید داخل کم نشده اما ما دشمن درد منشی داریم که با تمام قدرت وارد عرصه شده است. ربیعی متذکر شد: در این شرایط باید متفاوت رفتار کنیم و کمربندها را سفت تر کرده و صرفه جویی، مدارا و سختکوشی را سرلوحه خود قرار دهیم و سفرها را محدود کنیم.وی با تاکید بر این که ساعت کاری ادارات و اثربخشی مدیران باید افزایش یابد تا زندگی روزمره مردم دچار مشکل نشود، اضافه کرد: هرچند روزهای سخت بسیاری را پشت سرگذاشته ایم اما تا ۹ ماه آینده شرایط سختی پیش رو داریم؛ نمی خواهیم خودمان را تبرئه کنیم اما سوداگری های بدی را با این روزهای اعلام تحریم شاهد هستیم و تمام تلاش خود را انجام می دهیم تا از معیشت و زندگی مردم دفاع کنیم.

ساعت کاری ادارات گلستان تغییر کرد

معاون هماهنگی و امور اقتصادی استاندار گلستان گفت: با هدف کمک به کاهش مصرف برق در گلستان ساعت کاری ادارات استان از روز یکشنبه تغییر کرد و یک ساعت زودتر آغاز می شود. به گزارش مهر، محمود ربیعی اظهار کرد: با توجه به گرمای شدید هوا و به منظور کمک به کاهش مصرف برق در استان گلستان از روز یکشنبه ۱۰ تیر ماه تمامی ادارات گلستان کار خود را یک ساعت زودتر آغاز و یک ساعت هم زودتر به پایان خواهند رساند. وی افزود: از این رو ادارات گلستان به جز مراکز درمانی از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح کار خود را آغاز و ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه هم به کار خود پایان می دهند. ربیعی اظهار کرد: این رویه تا اطلاع رسانی بعدی به همین شکل برقرار است. لازم به ذکر است اداره کل هواشناسی استان گلستان طی اطلاعیه ای از افزایش دمای هوای گلستان تا اواسط هفته جاری خبر داد و پیش بینی کرد بیشتر شهرهای استان گلستان طی این مدت دمای بین ۴۵ تا ۵۰ درجه را تجربه خواهند کرد.

گلستان با داشتن ساحل طولانی بندر ندارد

نماینده کردکوی، بندرگز، بندرترکمن و گمیشان در مجلس با بیان این‌که در ساحل گمیشان امکان ایجاد بندر وجود دارد، گفت: گلستان با داشتن ساحل طولانی، بندر ندارد. به گزارش مهر، رامین نورقلی پور در جلسه ستاد اقتصاد مقاومتی و کارگروه اشتغال استان اظهار کرد: گلستان از داشتن صنایع بزرگ محروم است و در اجرای پروژه های بزرگ اقتصادی سابقه خوبی ندارد. وی به تجربه ناموفق گلستان در احداث پتروشیمی اشاره و بیان کرد: این استان به سرمایه گذاری دولت در یک پروژه بزرگ همچون پتروشیمی نیاز دارد.نماینده مردم کردکوی، بندرگز، بندرترکمن و گمیشان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به این که تولید پروپیلین از گاز طبیعی می تواند پروژه مناسبی برای پتروشیمی گلستان باشد، ادامه داد: وزیر نفت قول تأمین خوراک پتروشیمی گلستان را داده و امیدواریم شخصا نیز به این پروژه ورود داشته باشد.وی همچنین به محرومیت شهرستان گمیشان اشاره و بیان کرد: چهار هزار هکتار از ساحل گمیشان هم در نقشه منطقه آزاد اینچه برون آورده شده است و امیدواریم با تصویب و اجرای آن بخشی از محرومیت های این شهرستان کاهش یابد.نورقلی پور با بیان این‌که گلستان به رغم داشتن سواحل طولانی، بندری ندارد، خاطرنشان کرد: در ساحل گمیشان ظرفیت ایجاد بندر داریم که فازهای صفر و یک مطالعاتی آن انجام شده است.

آگهی مزایده اموال غیر منقول کلاسه ۹۶۰۰۲۵۱

۱-ششدانگ یک باب مغازه به مساحت چهل و شش مترو هشتاد و هفت دسی متر مربع دارای پلاک (۱۵۸۷۶ فرعی از ۱۲-اصلی)پانزده هزارو هشتصد و هفتاد و شش فرعی از دوازده اصلی مفروز و مجزی از ۱۱۳۱۰ و ۸۰۵ قطعه دو تفکیکی واقع در بخش چهار ثبت گرگان واقع در همکف با قدر السهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان ها و آیین نامه اجرایی آن که ذیل شماره ثبت ۲۲۸۶۹دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۲۸۶ بنام آقای محسن حاتمی به میزان نیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب مغازه با قدرالسهم از عرصه و مشاعات و مشترکات و شماره ثبت ۲۲۸۷۱دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۲۹۲ بنام آقای مهدی حاتمی به میزان نیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب مغازه با قدرالسهم از عرصه و مشاعات و مشترکات و شماره ثبت ۲۲۸۷۰دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۲۸۹ بنام خانم منصوره مراد به میزان پنج دانگ مشاع از ششدانگ یکباب مغازه با قدرالسهم از عرصه و مشاعات و مشترکات ثبت و سند مالکیت صادر گردید که محدود به حدود شمالا دیواریست مشترک بطول نه مترو هجده سانتی متر به مغازه قطعه یک شماره پانزده هزارو هشتصد و هفتادو پنج فرعی، شرقا درب و دیواریست بطول پنج مترو پنج سانتی متر به بلوار صیاد شیرازی ، جنوبا دیواریست مشترک بطول نه مترو چهل سانتی متر به مغازه قطعه شماره سه شماره پانزده هزارو هشتصد و هفتاد و هفت فرعی غربا دیواریست بطول پنج مترو پنج سانتی متر به پلاک هشتصد و شش سقف با کف طبقه یک اشتراکی است، کف با سقف زیر زمین یک اشتراکی است.مورد وثیقه در گرگان-بلوار صیاد شیرازی-نبش صیاد ۲۳ واقع که توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۶/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال (شش میلیارد و پانصد میلیون ریال) ارزیابی که قطعی گردیده ملک مذکور با کف سرامیک و بدنه کاشی کاری و درب شیشه سکوریت و کرکره برقی و دارای انشعاب برق و گاز مستقل و آب مشترک می باشد.

۲-ششدانگ یک باب مغازه به مساحت پنجاه و شش مترو نودو پنج دسی متر مربع دارای پلاک (۱۵۸۸۲ فرعی از ۱۲-اصلی) پانزده هزارو هشتصد و هشتادو دو فرعی از دوازده اصلی قطعه ۸ تفکیکی مفروز و مجزی شده از ۱۶۹۸۶ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش چهار ثبت گرگان واقع در همکف با قدر السهم از عرصه بانضمام بالکن به مساحت ۹۱/۲۵ متر مربع و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان ها و آیین نامه اجرایی آن که ذیل شماره ثبت ۲۲۸۹۰دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۳۴۹ بنام آقای محسن حاتمی به میزان پنج دهم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان و شماره ثبت ۲۲۸۸۹دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۳۴۶ بنام آقای مهدی حاتمی به میزان پنج دهم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان و شماره ثبت ۲۲۸۸۸دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۳۴۳ بنام خانم منصوره مراد به میزان پنج دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان ثبت و سند مالکیت صادر گردید ثبت و سند مالکیت صادر گردید که محدود به حدود شمالا دیواریست مشترک بطول ده متروهفتاد و دو سانتی متر به مغازه قطعه هفت شماره پانزده هزارو هشتصد و هشتادو یک فرعی، شرقا درب و دیواریست بطول پنج مترو پانزده سانتی متر به بلوار صیاد شیرازی ، جنوبا در سه قسمت که قسمت دوم آن شرقی است. اول دیواریست بطول هفت مترو چهل و چهار سانتی متر به راه پله و آسانسور دوم دیواریست بطول سی و پنج سانتی متر به راه پله و آسانسور سوم دیواریست بطول سه مترو پنجاه سانتی متر به فضای حیاط مشاعی غربا دیواریست بطول پنج مترو چهل و نه سانتی متر به پلاک هشتصد و شش مورد وثیقه در گرگان-بلوار صیاد شیرازی-نبش صیاد ۲۳ واقع که توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هفت میلیارد و پانصدمیلیون ریال) ارزیابی که قطعی گردیده ملک مذکور با کف سرامیک و بدنه اندود گچ و درب شیشه سکوریت و کرکره برقی و دارای انشعاب برق و گاز مستقل و آب مشترک می باشد.

۳-ششدانگ یک باب مغازه به مساحت چهل و پنج مترو هفتاد و هفت دسی متر مربع دارای پلاک (۱۵۸۷۵ فرعی از ۱۲-اصلی) پانزده هزارو هشتصد و هفتاد و پنج فرعی از دوازده اصلی مفروز و مجزی از ۱۱۳۱۰ و ۸۰۵ فرعی قطعه یک تفکیکی واقع در بخش چهار ثبت گرگان واقع در همکف با قدر السهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان ها و آیین نامه اجرایی آن که ذیل شماره ثبت ۲۲۸۶۶دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۲۷۷ بنام آقای محسن حاتمی به میزان نیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب مغازه با قدرالسهم از عرصه و مشاعات و مشترکات و شماره ثبت ۲۲۸۶۸دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۲۸۳ بنام آقای مهدی حاتمی به میزان نیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب مغازه تجاری با قدرالسهم از عرصه و مشاعات و مشترکات و شماره ثبت ۲۲۸۶۷دفتر جلد ۱۶۳ صفحه ۲۸۰ بنام خانم منصوره مراد به میزان پنج دانگ مشاع از ششدانگ یکباب مغازه با قدرالسهم از عرصه و مشاعات و مشترکات ثبت و سند مالکیت صادر گردید که محدود به حدود شمالا در دو قسمت اول دیواریست بطول پنج مترو هفتاد سانتی متر به صیاد بیست و سه ، دوم دیواریست بطول چهار متر به بلوار صیاد شیرازی، شرقا درب و دیواریست بطول سه مترو بیست و پنج سانتی متر به بلوار صیاد شیرازی ، جنوبا دیواریست مشترک بطول نه مترو هجده سانتی متر به مغازه قطعه دو شماره پانزده هزارو هشتصدو هفتاد و شش فرعی ، غربا دیواریست بطول پنج مترو چهل و چهار سانتی متر به پلاک هشتصد و شش سقف با کف طبقه یک اشتراکی است، کف با سقف زیر زمین یک اشتراکی است مورد وثیقه در گرگان-بلوار صیاد شیرازی-نبش صیاد ۲۳ واقع که توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۵/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنج میلیارد و پانصد میلیون ریال) ارزیابی که قطعی گردیده ملک مذکور با کف سرامیک و بدنه اندود گچ و درب شیشه سکوریت و کرکره برقی و انشعابات گاز و برق و آب مشترک دارد.نامبردگان سند ملکی خود را با کلیه مستحدثات و متعلقات منصوبه در آن جهت تسهیلات آقای مهدی حاتمی طی سند های رهنی و متمم بشماره ۶۲۶۲ و ۹۶۷۶ به تاریخ های۹۲/۰۳/۲۹و ۹۴/۱۲/۱۶ تنظیمی دفترخانه شماره ۵۴ گرگان در قبال مبلغ ۲۶/۷۲۱/۳۶۰/۰۰۰ ریال (بیست و شش میلیاردو هفتصدو بیست و یک میلیون و سیصدو شصت هزارریال) در رهن بانک مهر اقتصاد قرار گرفت که بعلت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجراییه با موضوع لازم الاجرا و تشکیل پرونده کلاسه ۹۶۰۰۲۵۱گردید. با توجه به ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت و برابر نامه بانک به شماره ۱۵۰۶ به تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۲ فاقد بیمه نامه بوده و چنانچه بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد بر عهده برنده مزایده است. لذا جلسه مزایده از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز دوشنبه مورخ ۹۷/۵/۱ در محل اداره اجرای اسناد رسمی گرگان واقع در خیابان شهید رجایی-گلشن ۲۲ از مبلغ ارزیابی جمعا به مبلغ ۱۹/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (نوزده میلیارد و پانصد میلیون ریال)شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد. طالبین می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از املاک مورد مزایده قبل از برگزاری مزایده بازدید بعمل آورند.

تاریخ انتشار:دوشنبه ۹۷/۴/۱۱

حسین اسمعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۱۵۶۸ م الف

آگهی دعوت
مجمع عمومی عادی
(نوبت اول)

انجمن صنفی کارگری
رانندگان حمل و نقل کالاشهرستان
گرگان و حومه

از اعضای محترم تقاضا می شود
در جلسه فوق حضور بهم رسانید.

دستورات جلسه:
۱ ـ گزارش هیات مدیره ۲ ـ انتخاب هیات مدیره
۳ ـ انتخاب بازرس ۴ ـ تصمیم در خصوص اعضایی که حق ورودیه خود را پرداخت نکرده اند
تاریخ و ساعت برگزاری: دوشنبه ۹۷/۵/۱ ساعت ۱۰ صبح
محل برگزاری: استان گلستان ـ گرگان ـ کوی ملاقاتی ـ کوچه پنجم ـ پلاک ۲۹ ـ ساختمان اتحادیه تعاونی های حمل و نقل بار استان گلستان ـ طبقه دوم.
کاندیداهای هیات مدیره و بازرس می توانند از تاریخ انتشار لغایت روز برگزاری مجمع با مراجعه به دفتر انجمن نسبت به تکمیل فرم درخواست کاندیدای هیات مدیره و بازرس اقدام نمایند.

سیامک مقدس زاده ـ رییس انجمن

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

یادداشتی بر نمایش «دده خانم»

زن نیک آن بُوَد که پارسا بُوَد

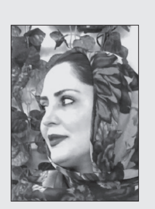

شوکا حسینی –نمایش «دده خانم» دومین بخش از سه‌گانه‌ی «خانم» است که به نویسندگی و کارگردانی جواد عاطفه و بازی درخشان عاطفه پاکبازنیا به نمایش در آمده است. اولین بخش این سه‌گانه که خانم ایکس نام داشت، مانند دده خانم مونولوگ بود. مونولوگ زنی در وضعیتی روانی منحصربه‌فرد که با تمهید کارگردان در انتخاب مکان خاصی همچون تماشاخانه‌ی دا، به خوبی به نمایش گذارده شده بود. خانم ایکس ملغمه‌ای از هذیان‌ها وتوهماتی بود که مدرنیته بر انسان معاصر تحمیل کرده بود. در آن نمایش به خوبی شاهد فرایند «چه شدن» این زن قرار گرفته بودیم. مناسبات قدرت عرصه را بر انسان فرودست تنگ می‌کند تا جایی که به مرزهای تن و روانش تجاوز می‌شود و او؛ این انسان ساخته‌ی گفتمان‌های فرادستی، از خویشتن فاصله‌ی معناداری پیدا می‌کند و تبدیل به بازتولید آنچه می‌شود که گفتمان‌ها از او می‌خواهند. وجه غالب در این صیرورت، همانا عنصر تکرار است. تکرار در نوع زیست، نوع خواست‌هایی که از او مطالبه می‌شود و در نهایت افتادن در چرخه‌ی روانی تکراری که در زبان، خود را بروز می‌دهد. از دیگر مشخصه‌های خانم ایکس، بازخوانی پدیده‌ی خواب بود که میل این انسان «افتاده» را منعکس می‌کرد. خواب آنجایی که واقعیت مجال خود را در روان شخص به مخاطره می‌اندازد، مامنی برای انعکاس وجوه روانی فرد می‌شود: همان شاه‌راه بزرگ ناخودآگاه. در واقع خانم ایکس، زنی بود در محاصره‌ی عناصر مدرنیته که به اضمحلال روانی رسیده بود.

و اما نمایش «دده خانم»؛ دده خانم از چند منظر حائز اهمیت است و می‌توان به بازخوانی چند مساله در آن پرداخت. از جمله: گفتمان جنسیتی و روانکاوی.

دده خانم کیست؟

دده خانم همان خانم ایکس است که این بار از گفتمان سنت سر برآورده و در همان مکان واحد، وجهی دیگر از خود را به نمایش گذاشته است. دده خانم زنی‌ست قبل از هر چیز، پاک‌دامن، شیرزن، زحمت‌کش، رنج‌دیده، صبور، بی‌زبان، فداکار و پارسا، یعنی تمام اوصاف مربوط به «زن خوب» را داراست. او می‌تواند در ستم و محرومیت قرار بگیرد اما دم نزند و تن به رنج دهد اما شکوه نکند. او می‌تواند به خاطر فرزندش از جوانی خود بگذرد و ازدواج نکند تا «آب در دلش تکون نخوره». او می‌تواند بیش از این‌ها ساکت باشد «من که عمر و جوونیم رو پاش گذاشتم...» دردهای دده خانم در گفتمان مردسالار بازتولید می‌شوند همانطور که در تاریخ جنسیت زنانه تکرار شده‌اند و در جامعه‌ای که دده خانم‌ها در آن زندگی می‌کنند همچنان در حال تولید و بازتولید است. همسر دده خانم او را بعد از شب زفاف، ترک کرده و این اولین آسیب در زندگی دده خانم بوده است. او باید دائم از خودش بپرسد که چرا؟ «عروسی کردم که خوشبخت بشم یه شبه شدم دوماد ترسون». برای تعداد کثیری از زنان در بافت جامعه‌ی سنتی، هیچ چیز بدتر از طرد شدن توسط شوهر نیست. هر چند که مرد متجاوز و ستمگر باشد اما صرف بودنش، «زن بودن» یک زن را معنادار و حتی او را هویت‌مند می‌کند. زن در نظام مردسالار منحصراً در رابطه‌اش با مرد تعریف می‌شود چرا که او در «تعریف» نیز روابط قدرت حاکم است. بنابراین در این وضعیت، ترک شدن توسط مرد یعنی از دست دادن حدود تعریف؛ حدود شناسا بودن. «زن می‌تونه با خوب و بد زندگی بسازه اما بدون مردش هیچی نیست». در چنین موقعیت‌هایی اشخاص دچار انفعال، افسردگی، گاهی خشم، انتقامجویی و غیره می‌شوند. اما دده خانم راه دیگری را در پیش گرفته است. او با فداکاری و رنج بیش از حد به خود دادن و رسیدن به الگوی «زن خوب»، به تسلی خویش پرداخته است. او در تمام زندگی بعد از آن حادثه، تنها یک مخاطب را پیش روی خود دارد و او کسی نیست جز پسرش. دده خانم که یک بار از سوی یک مرد طرد شده است، حالا باید تمام هم و غم خود را روی «گرفتن تایید» از دومین مرد زندگی‌ش یعنی پسرش بگذارد. باید آنقدر خود را نادیده بگیرد و در جهت میل و خواست پسرش قدم بردارد تا او را تایید کند و الگوی زن بد و یا ناخواستنی بودن را از ذهن پسرش دور کند و این گونه در معادله‌ای یافتن مقصر برای این زندگی زناشویی نافرجام، تبرئه شود و دیگری غایب، در جایگاه مقصر نشانده شود چرا که اصولاً در جامعه‌ی مردسالار زن‌ها در پی برآورده کردن این تبیین از «زن خوب» هستند تا مقبول واقع شوند. از دیگر سو، دده خانم که شکست عاطفی را در ابتدای جوانی تجربه کرده است مجبور است که جایگزینی برای مفعول عاطفی خود بیابد و چه کسی بهتر از پسرش. مردی که می‌تواند از آن او باشد: « بهش می‌گم تو که نبودی سایه‌ات بیفته بالا سرش، مرد بشه بچم. خودم با زنونگی‌م مردش کردم». دده خانم رنج بسیاری برای به دست آوردن استقلال مالی می‌کشد. اما دلیل واضحی که او را به سمت مرده‌شویی می‌کشد نه فقط به دست آوردن استقلال مالی بلکه بیشتر مجازات کردن خودش در قبال زندگی نافرجام زناشوییش است. او با رفتن به دخمه‌ی تاریک مرده‌شوی خانه، در واقع خود را تنبیه می‌کند؛ با قطع ارتباط با دیگران از خودش و از بی‌صلاحیتی خود انتقام می‌گیرد اگر چه از مکانیزم جابه‌جایی برای التیام خود استفاده کرده اما در لایه‌ی زیرین روانش، همچنان خود را مقصر می‌داند و این گناه را با تارک‌الدنیا شدن، پاک می‌کند. او با مذهبی‌گری بیش از حد، خواندن بی‌وقفه‌ی ادعیه و وسواس عملی خود در شست‌وشوی مردگان، در واقع به تذهیب خود می‌پردازد و گناه ناخواستنی بودن خود را جبران می‌کند. اما این تکرارها و ذکرگویی‌ها او را تبرئه نمی‌کند و یک آسیب تازه، می‌تواند روان او را از هم متلاشی کند. می‌تواند او را تجزیه کند و در ورطه‌ی گسیختگی بیافکند و دیری نمی‌پاید که آن آسیب از راه می‌رسد؛ مرگ پسرش.

دده خانم با خودش حرف می‌زند، مردی که مظهر نکوهش او به خودش بود، به شکل یک کابوس متجلی می‌شود و این بار سرزنشش را به مهم‌ترین قسم زندگی او یعنی پسرش، معطوف می‌کند. شوهر یک بار با ترک کردن دده خانم تن و روان او را مورد شماتت و سرزنش قرار داده بود و این بار، به صدای شبحی ملبس می‌شود که هر بار با تکرار این جمله که:« امانتی‌ای که بهت دادم کجاست؟» او را به پرسش‌هایی که تمام این سال‌ها از خود می‌پرسیده، مرجوع می‌کند؛ به «بی‌عرضه بودن» به «ناخواستنی بودن». مرگ پسر، او را دوباره به تروما باز می‌گرداند. مکانیزم‌های دفاعی تا زمانی کارکرد خود را حفظ می‌کنند که «خود» بتواند از خودش در مقابل ناخودآگاه و نهاد حمایت کند. با بروز آسیب و تزلزل در «خود»، مکانیزم‌ها تاثیرشان را از دست داده و هم‌پای ناخودآگاه و نهاد، «خود» را تحت فشار قرار می‌دهند و اگر «خود» نتواند مقاومت کند، فرد دچار گسیختگی و سایکوز می‌شود و معنای اعمال فرد که برای دفاع از خود، انجام می‌داده دچار تغییر می‌شود. در دده خانم نیز، مرگ پسر همان ضربه برای متزلزل کردن «خود» و از کار انداختن مکانیزم‌های دفاعی بود. چرا که قبل از هر چیز و هر حس عاطفی دده خانم، آنچه که او را آزار می‌دهد و دائم در طول نمایش آنرا تکرار می‌کند، این است که او نالایق نبوده. او حس بی‌کفایتی خود را که با انجام کارهای مشقت‌آمیز، تارک‌الدنیا شدن، مذهبی‌گری و وسواس شست و شو، انکار کرده بود دوباره برانگیخته می‌بیند. مرگ پسر، او را روبه‌روی استیصال خودش قرار می‌دهد و این معنی را برای او دارد که او بالواقع بی‌کفایت و بی‌عرضه است؛ نه شوهرش را توانسته نگاه دارد و نه پسرش را و تا جایی پیش می‌رود که آخرین مرد زندگی خود، یعنی گورکن را بی‌چهره در کابوس خودش می‌بیند. بهترین مرد زندگی دده خانم، دکتر ملک است که به جای همدلی با او، او را نصیحت می‌کند و از دادن قرص‌های آرام‌بخش به او خودداری می‌کند گویی او نیز می‌خواهد او را تنبیه کند. او برای دده خانم تنها از این جهت خوب است که می‌تواند برخی از شکوه‌هایش را پیش او بازگو کند هر چند که او در جایگاه ناصح همه‌چیزدان، در نهایت دده خانم را تحقیر می‌کند.

دده خانم با این تروما به سمت هذیان سوق داده می‌شود، ارتباط خود را با واقعیت از دست می‌دهد و کم کم به انقطاع کامل می‌رسد تا جایی که هذیان انتساب در او پدیدار می‌شود تا اینکه خود را در وضعیتی می‌بیند که حیات و نابودی جهان را منتسب به بود و نبود خود می‌داند. دچار ربایش افکار می‌شود و گمان می‌کند که کسانی او را به خورشید وصل کرده‌اند و اگر چشم‌هایش را ببندد، خورشید غروب می‌کند و در نتیجه جهان دچار تاریکی می‌شود. «وضعیت خورشید رو فهمیدم. بهم وصله! هرجا میرم باهام. وصلش کردن بهم. چشام رو که ببندم غروب می‌کنه ته بهشت زهرا. تا چشام رو باز می‌کنم میاد رو شهر. خورشید وصل به حضور منه. اونا گفتن اگه بمیری خورشید خاموش می‌شه. مراقبمن دارن از من محافظت می‌کنن تا من بمونم تا خورشید بمونه».

دده خانم که از معنای زندگی خود، خالی شده بود و با انتساب خود به پسرش، هویت‌مند شده بود، مرگ پسر دوباره او را به ورطه‌ی بی‌هویتی سوق می‌دهد. همان‌طور که قبلاً گفته شد در نظام جامعه مردسالار، هویت زن در «جَنب» مردهای زندگی‌ش از جمله پدر، برادر، همسر و پسر شکل می‌گیرد و فقدان هر کدام می‌تواند او را به سمت بی‌هویتی رجعت دهد تا چه برسد که «هیچ» مردی برای او باقی نمانده باشد. طبق این الگو، دده خانم با از دست دادن مردهای زندگی‌ش دیگر هویت –من یک‌پارچه–ای ندارد که بتواند زندگی کند. تمام دلایل خود را برای زندگی از دست داده است پس با از بین بردن «من یکپارچه»ی خود، سخت‌ترین انتقام را از خود می‌گیرد تا به سوی عدم و نیستی بتواند برود. از سویی تنها راه باقیمانده در معنا دار کردن زندگیش، راه مذهب و معنویت یا همان رستگاری‌ست. از این رو با افراط در ذکر و مصون ماندن از ورطه‌ی گناه، سعی در نگه داشتن گفتمان قدرت مذهب می‌کند. دده خانم نمایشگر طبقه‌ای از انسان‌هاست که تنها با اتصال به یکی از مراکز قدرت می‌توانند معنادار شوند. او که از گفتمان‌های دانش، ثروت، فرهنگ و حتی نظام مردسالار طرد شده است، باید با تمام توش و توانش به گفتمان مذهب استمساک بجوید تا از این طریق بتواند «هویت» چند پاره‌ی خود را نجات دهد.

نمایش دده خانم زنان دیگری از تاریخ را نیز احضار می‌کند: تهمینه، یوکاسته(مادر ادیپ)، آلکمنه(مادر هرکول)، گرترود(مادر هملت). زن‌ها در بسیاری از اسطوره‌ها پس از مرگ پسرانشان، خودکشی می‌کنند و گاهی با فرورفتن در خود و تجزیه شدن به بعد و قبل از مرگ پسرشان، از خود انتقام می‌گیرند... گاهی یک شبه موی سپید می‌کنند و گاه بر سریر بی‌نوایی تکیه می‌زنند گویی این پسران در واقع وجه آنیموسی درون آنهاست که کشته شده‌اند و این مرگ دقیقاً نشانه به سمت خود آنها دارد. یعنی مرگی‌ست فراگیر که در حقیقت آنها را فراگرفته است. از این رو دده خانم روی دیگر گرترود، آلکمنه، تهمینه و یوکاسته است که هر کدام با مرگ پسرانشان و یا بیم از دست رفتن پسرانشان، سرنوشتی شبیه به سرنوشت دده خانم داشتند و گویا سرنوشت دده خانم تکرار سرنوشت این زنان بوده است.

عاطفه پاکبازنیا بسیار دقیق و درست نقش دده خانم را دریافته است از این رو به خوبی آنرا اجرا می‌کند. حرکات بدنی و نشان دادن رفتارهای درجازن، تیک توره و کم انعطاف دده خانم از لحاظ رسیدن به وجوه روانی ذکر شده بسیار درست است. پاکبازنیا با مهارت این زن را به مخاطب می‌نمایاند و مخاطبان از هر گروه جنسی به راحتی می‌توانند با این زن، هم‌ذات‌پنداری کنند. در این نمایش استفاده از تکنیک نور دقیقاً به معنای ایجاد تقابل، به رخ‌نمود روانی دده خانم بسیار کمک کرده است. از سویی نور با رنگ‌هایی که گویی چراغ‌قوه‌ای‌ست بر ناخودآگاه دده خانم، مخاطب را بر این وجوه روانی دده خانم متمرکزتر می‌کند. از دیگر سو، نور کم وسعت، گویی استعاره‌ای از انزوا و مطرود شدن دده خانم است. گاهی نور از سمت بالا بر دده خانم می‌افتد که می‌تواند متافوری از توصل دده خانم به جهانی دیگر به عنوان تنها گریزش از این وضعیت فرودستی باشد. مکان نمایش هم با توجه به ساختار، رطوبت، دما و رنگ و بو بسیار با نمایش همخوانی دارد؛ گویی همه‌ی ارکان موجود در نمایش از بازیگر تا مخاطب همه در گور خفته‌اند و صدای دده خانم انعکاس واقعه‌ای از هر یک از مخاطبان شود. از این‌روی این انتخاب به دریافت مخاطب بسیار کمک کرده است. دده خانم صدای زن‌های بی‌شماری‌ست که در لفافه‌ی سنت و گفتمان مردسالار در گور تنهایی خود، زیسته‌اند و می‌زیبند.

شعر

سروده ای از آذردخت ضیایی

سایه بوده ام برای خودم
و اعتبار افتاب
اگر بیاید
و انعکاس شب
و خوابیدن انگشتها
وقتی زمین پا نمی گیرد از درون
این قامت است که پشت ندارد
سنگ می شود کم کم
رنگ می پرد از هر چه تاریخ
فوت ، تولد ، پیوند
فحش می دهم به خاطره
فحش می دهم به کابوس
و رؤیای پریدن از روی پله ی اول
شاید زمین آنقدر ها هم گرد نبوده
که شرط رهایی نبودن باشد
به دستخط زیر اگهی نگاه می کنم
هیچ دختری
لحظه ی مرگ پدرش را
فراموش نمی کند

سروده ای از مظاهر شهامت

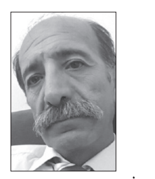

شاخه‌زیتون
نشانه نزدیکی بود به هوار رو به خاموشی
کودکان
به مانند زخم هایی
که
روبروی آفتاب منطقه
در معنایی وسیع جهانی شکوفا می شد
فرو می چکید هق هق پرنده از شاخساران
امواج انفجار
و
محبوبه‌ایی پیرسال
کتاب‌های کتابخانه شخصی مرا ورق می زد
نه
دیگر خواندن داستان های عتیق
ارواح سرگردان را رام نمی کند
دوران پوست‌اندازی حروف دیکتاتور را
باید
باید
باید با زبانی تازه آموخت

سروده ای از سوده ممشلی

گوش هام زنگ میزنه هر شب
نکنه حرف می زنی از من؟!
دلِ من جمع میشه تو سینه م
تو بَه من فکر می کنی قطعا!

لابد از تو یه نامه تو راهه،
مژه م افتاده باز رو گونه م
کفش هام جفت میشه هر لحظه
دلِ من شور می زنه کم کم

یه زن هر شب میون اعصابم
واسه تو فالِ قهوه می گیره
به خودش قَول میده رام بشی
باز مونده به عکسِ تو خیره

ورد می خونه دل ببندی بهش
با طلسم و دعا شده قاطی
جاده می بینه باز ته قهوه ش
یه زنِ ساده ی خرافاتی

گفته شاید سرت یه جا گرمه
سردِ سردِ نگات...مریض شده
بس که کمرنگ بوده تو قلبت
پشتِ آرایشا «غلیظ» شده

پشتِ این چهره ای که یادت نیس
طرحی از روحِ زخمیه یه زنه
حالِ من خوبهَ خوبه...اما باز
یه «زنِ» خسته تو وجوده منه...

حسنِ تعلیل

نگاهی کوتاه به یکی از آرایه های ادبی جالب

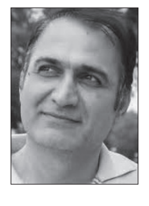

عباسعلی فرهادی

بخش نخست:
اشعاری با طعمِ اجتماعی

الف) آغازه:

حسن تعلیل را اینطور می شود تعریف کرد که سخنور علّتی ادعایی و جالب برای موضوعی بیاورد به جای علت حقیقی و واقعی.حالا هرچی این دلیل و توجیه ادعاتی تر و تخیلی تر و ساخته ی ذهن شاعر باشد بیشتر خواننده ی اثر را به شگفت و حیرت و حظ می برد.

مثلن علت بارش باران به وجود ابر و فصل و خلاصه به طبیعت بر می گردد ولی شما باران را گریه ی آسمان در غمی که دارید فرض کنید که اینطوری استعاره و تشخیص و اغراق و حسن تعلیل را با هم آوردید.

«آسمان در غم من اشکِ فراوان می ریخت»

شاعران از دیرباز شعر خود را با این صنعت ادبی آراسته اند ولی نمی توانم از این حسن تعلیل زیبای منوچهری بگذرم:

«نرگس همی رکوع کند در میان باغ
زیرا که کرد فاخته بر سرو، موذّنی»

ونیز مثالی از مولوی:

«آن شمع که می گرید گویم ز چه می گرید:
زیرا که ز شیرینش در قهر جدا کردی
آن چنگ که می زارد گویم ز چه می زارد:
کز هجر تو پشت او چون بنده دوتا کردی»

ب)نمونه های امروزی:

اما امروزه شاعران کلاسیک سُرا در به روز کردن شعرشان به حُسن تعلیل های جالبی دست می زنند که ملاحتِ زبانی جالب تری دارد،به ویژه وقتی شاعری می خواهد رندانه از مشکلات سیاسی و اجتماعی روزگار حرف بزند یا اعتراض کند؛چند نمونه را بخوانیم:

۱–سیدمهدی موسوی:

این بیت دکتر موسوی بخاطر شرایط اجتماعی و نارفیقی ها و کمرنگ شدن مرام ایرانی در کسب منفعت و مصلحت و شهرت و.... دیگه ضرب المثل شده:

« همه از پشت خنجرم زده اند،
دوستانی خجالتی دارم...»

علت خنجر از پشت زدن بی شک نامردی است و حتی کنایه از نارفیقی و پستی فرد است حتی «پشت «در این کنایه بار معنایی مجازی دارد ولی علتی که شاعر برای خنجر از پشت زدن آورده خجالتی بودن دوستان است که روی روبه رو شدن و چشم در چشم شدن را با قربانی ندارند. غیر از کنایه ی اصلی درواقع همین حسن تعلیل سبب جاودانگی این بیت شده که هرکس با خواندنش یاد روایتی از نارفیقی که در حقش شده می افتد.

۲–طاهره خنیا:

شاعری که شعرش جنون زبانی است که مثل پتک می خوره توی هر موضوعی که بهش اعتراض دارد اما از جمله حسن تعلیل های زیبایش آنجاست که می گوید:

«بخوان که انگورها رسیدن گرفته اند از شنیدنِ تو»

رسیدن انگور یک امر طبیعی است و به فصلِ و طبیعت ربط دارد اما شاعر رسیدن انگورها را با تداعی مستی شراب با اغراقی جالب به شنیدن صدای شجریان را مربوط کرده است.

یا برای مثال بیشتر از جالب ترین حسن تعلیل های خانم خنیا فقط به یکی از شاهکارهای شعر امروز ایشان مراجعه کنید با مطلع:

«سلامتیِ خودت ! لب بزن که توت بریزد
بخند توی رگ شهر ابسولوت بریزد»

۳–حامد ابراهیم پور:

شاعری که شعرش عشق به سینما دارد و حتی از مرثیه برای شخصیتی در فیلم فارسی هم ابایی ندارد در بیت:

«این روزها هربار که یاد تو می افتم
یک خطِّ دیگر روی پیشانیم می افتد...»

بی شک علت خط افتادن روی پیشانی گذشت زمان و مسایل مربوط به بدن انسان است ولی علت خط افتادگی پیشانی در اینجا شکستگی از به یاد کسی افتادن آمده، حتی اینجانب در این بیت هم حسن تعلیل مخفی می بینم که باران می بارد و اتفاقی به شیشه می خورد و هدف باران هاشور نیست. اگرچه شاعر رک نگفته هدف بارش هاشور بر شیشه است ولی این برداشت را می شود داشت:

«باران به روی پنجره هاشور می زند
باران گرفته است و دلم شور می زند..»

۴–اشرف گیلانی:

شعر ایشان اگرچه بیشتر به اعتراض و طنز نیشدار و رک معروف است ولی حسن تعلیل های خاص خودش را برای توصیف فضای سیاه دارد، مثلن وقتی می گوید:

«این شعر، شعار نیست زخمی ست!
خون خاطره ای ست در خیابان

خون در شب انفجار میدان
کفاره ی زنده بودن ماست»

بی شک خون حاصل ریخته شدن از اسلحه و درگیری است ولی شاعر خون را خاطره و کفاره دیده است که درواقع فضای اصلی شعر را بازگو می کند.

البته شیوه ی کاربردی این آرایه و یا خیلی از آرایه ها در اشعار شاعران اجتماعی و بخصوص سیاسی سرا ممکن است مثل شاعران تغزلی نباشد و حتی هدف اغراق برای ایجاد انزجار از فضای مورد انتقاد باشد و نه مثل فضای احساسی و رمانتیک شاعران تغزلی.اصولن شاعران اجتماعی برای دل جامعه بیشتر اهمیت قائل هستند تا احساسات شخصی دل و خودشان.پس اگر از این حسن تعلیل ها لبخند رضایت نداشتید نشانه ی حتی موفقیت شعر است. یک مثال بسیار عالی دیگر از اشرف:

«وقیح مثل سایه ای که دارد
می آید آفتاب را ببلعد
شبیه آن کویر زیرکی که
نشسته ردّ آب را ببلعد»

۵–شهرام میرزایی:

شهرام مرز شوخی و جدی را در شعر با طنزهای اجتماعی درهم می ریزد و گاهی چنان فرضی بخاطر پیش فرضهای حافظه ی ادبی ما برای شخصیتی شعری می آورد که انگار نه انگار هدف آن شخصیت غیراز این است که شعر می گوید.

مثلن هدف روشنایی شمع بی شک برطرف کردن تاریکی است ولی در استیضاح و بازجویی شمع جوری سوال اعتراضی را مطرح می کند انکار وظیفه ی شم

شمع همین است ضمن اینکه مرکب شعر حرکت کرده تا تصویر احساسی سوختن عاشقانه ی پروانه را هم اجتماعی و منفی ببیند:

«ای شمع پاک سوخته! آیا شمرده ای،
پروانه های بال و پر آتش گرفته را!؟ «

تلمیح با دستکاری روایت و آشنایی زدایی در داستان هایی که در ذهن ما شکل ثابت گرفته از نشانه های شعر و طنز ایشان است.

البته خود ایشان به ظرافت این کار می کند اما زیاد دیدم بعضی مقلدان ایشان با این موضوع سرسری و افراطی برخورد می کنند و کل شعر طرف در هر بیت یا حتی مصراع با هدف بهم ریختن روایتی سروده شده و البته به دل فقط خود شاعرش می چسبد.

مثال زیبایی دیگر از آقای میرزایی:

«دم روباه را قسم خوردند
پیش ماها دروغ سنج نبود
پشت ویرانه ای جناب جغد
روی جفتش پریدو... گنج نبود
گفت میمون از دم آویزان
قلب وارونه مثل پنج نبود

سر تکان داد بز، ولی شک داشت...»

محرمیت ویراستار
اولین درس اخلاق حرفه‌ای

سایه اقتصادنیا

بارها دیده و شنیده‌ایم کسانی که در سمَت ویراستار با بنگاه‌های انتشاراتی همکَاری دارند یا برای ارزیابی کتاب پیش از چاپ طرف مشورت قرار می‌گیرند، از دیده‌ها و شنیده‌هایشان در برخورد با انواع اشکالات متن، ضعف‌های مولف، کاستی‌های مترجم، یا لغزش‌های قلمی افراد نامدار، فاتحانه، داد سخن می‌دهند. ارزیابی آثار پیش از چاپ یا یافتن خطاها و برطرف کردن آنها ضمن ویرایش، به‌ویژه اگر از آنِ فردی نامدار باشد، گاه ویراستاران را چنان مشعوف می‌کند که بی‌تابانه تجربیات خرسندکننده‌شان را با ذکر نام صاحب نگون‌بخت اثر با دیگران در میان می گذارند. اشتراک تجربیات حرفه‌ای، اگر بدون ذکر نام کتاب یا نویسنده باشد و به قصد آموزش همگانی یا با در نظر داشتن منفعت جمعی انجام گیرد البته امری است سودمند، اما اگر بوی خودنمایی و «من آنم که رستم بود پهلوان» از آن به مشام برسد و رنگی از تحقیر اثر یا صاحب‌اثر داشته باشد، نه تنها ناپسند است، که از مصادیق نقض اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌آید. همانطور که پزشک محرم تن است، ویراستار محرم متن است. همانطور که پزشک تن بیمار را برهنه و علیل می‌بیند، ویراستار هم متن را، به قصد علت‌جویی و یافتن درمان معاینه می‌کند، و همانطور که پزشک از سوابق بیماری‌های مراجعش آگاه است، ویراستار از سوابق متنی که به او سپرده می‌شود مطلع است. پس همچنانکه طبیب رازدار و محرم بیمار است، ویراستار نیز باید محرم اسرار متن و صاحب متن باشد. روا نیست که ویراستار دیگران را از آنچه پشت پردهٔ متن گذشته تا به نسخهٔ نهایی آمادهٔ چاپ تبدیل شود، بدون اطلاع و موافقت صاحب‌اثر و ناشر، مطلع کند. ناشر گاه به دلایلی از چاپ اثری سر باز می‌زند و اگر ما مشاور ناشر هستیم، لازم است محرمیت بنگاه او را حفظ کنیم و دلایل و نتایج رد و قبول آثار را از پشت دیوارهای او بیرون نبریم. اگر ارزیاب یا ویراستار هستیم، باید خود را عضوی از اعضای خانوادهٔ آن ناشر بدانیم و همانطور که اعضای یک خانواده اختلافات و کشمکش‌های داخلی را عیان نمی‌کنند، ما نیز نباید مباحثات پیش از چاپ کتاب را پیش دیگران علنی کنیم. چاپ هر کتابی سرگذشتی دارد و ویراستار هم در فصل‌هایی از این سرگذشت حضور دارد، اما همیشه باید بداند که او شریک این راه و مصائب آن است و وظیفه‌اش برطرف کردن عیوب راه و هموار ساختن آن، نه نقل مصائب آن به غیر و عیبجویی و خرده‌گیری از صاحب‌اثر نزد همگان. محرمیت ویراستار اولین درس اخلاق حرفه‌ای است. ویراستار یار کتاب است، باید کمال سر محبت را ببیند، نه نقص گناه، که هرکه بی‌هنر افتد نظر به عیب کند.

یک اتفاق ساده

روح‌اله باقری

همه کارها، درست، مثل همیشه انجام شده بود. راه طی شده همانی بود که در سی سال گذشته آن را از ایستگاه اتوبوس شروع می‌کرد و تا خانه می‌پیمود. اطمینان داشت وقتی وارد کوچه شد با پیرمرد همسایه که در صندلی تاشو نشسته بود و با لثه‌هایش چیزی می‌جوید، احوال پرسی کرده است. آن کوچه‌ی بن بست ، آن خانه‌های دو طبقه‌ی آجری که رو به روی هم تا انتهای کوچه کشیده شده بودند و با خانه‌ی او به هم ربط پیدا می‌کردند و از پنجره‌های رو به کوچه‌شان همیشه بوی غذا و صدای شستن ظرف می‌آمد، هیچ تغییری نکرده بودند.حتا بوی باغچه‌ی خانه‌اش را از پشت دیوارهای چروکیده شناخته بود . امکان نداشت در بزرگ و سبز خانه را که گوشه گوشه رنگش پریده و اخرایی شده بود، گم کند و می‌توانست چشم بسته آن را از بین هزار در سبز و بزرگ دیگر پیدا کند. حتا موقعی که کلید را در قفل چرخاند و در را با لگد باز کرد و جای حیاط پوشیده از علف، سالن بزرگ سینمایی پر از آدم دید که کیپ تا کیپ نشسته و او را که از پرده به خودش زل زده بود، تماشا می‌کنند، باور نکرده بود اتفاقی افتاده است .